



وزارت امور مهاجرین و عودت کنندگان
د کډوالو او راستنېدونکو چارو وزارت
ریاست اطلاعات و ارتباط عامه
آمریت ارتباط عامه

بولتن خبری
News Bulletin

۷ حوت - سال ۱۳۹۸





فهرست مطالب

صفحه	عناوین
۴-----	مهاجران؛ عامل بالقوه‌ی انتقال ویروس کرونا به افغانستان (روزنامه صبح کابل)
۶-----	حمله به کارگاه‌های بازیافت زباله‌ی مهاجران افغانستانی در تهران (صبح کابل)
۱۱-----	فرانسه: در یک روستا در بروتاین، مهاجران برای ادغام شدن آموزش می‌یابند (مهاجر نیوز)
۱۵-----	شمار متقاضیان پناهندگی در اروپا بار دیگر افزایش یافته است (مهاجر نیوز)
۱۷-----	کمیته استقرار مجدد در لوگرتدویر جلسه نمود (ویب‌سایت وزارت)

متن کامل اخبار

مهاجران؛ عامل بالقوه‌ی انتقال ویروس کرونا به افغانستان (روزنامه صبح کابل)

نخستین بار نشانه‌های ویروس کرونا و گرفتاری به آن در ۳۰ دسامبر در شهر ووهان چین، توسط آقای لی، پزشک چشم، دیده شده و در شبکه‌ی اجتماعی ویو همگانی شد.



نخستین بار نشانه‌های ویروس کرونا و گرفتاری به آن در ۳۰ دسامبر در شهر ووهان چین، توسط آقای لی، پزشک چشم، دیده شده و در شبکه‌ی اجتماعی ویو همگانی شد.

چند روز پس از آن، شیوع ویروس کرونا در رسانه‌های اجتماعی چین خبرساز شد؛ این ویروس در ابتدا با تب و سرفه‌های خشک خود را در بدن قربانی نمایان می‌کند. از شروع شیوع این بیماری در چین شمار قربانیان آن پیوسته رو به افزایش است.

چین با این که امکان‌های خوب تکنالوژیکی برای مقابله با بیماری‌های کشنده را دارد؛ اما تا هنوز نتوانسته است پادزهر ویروس کرونا را بسازد.

ویروس کرونا از شمار ویروس‌هایی است که به سادگی به دیگران انتقال می‌کند و از شمار خطرناک‌ترین بیماری‌های ساری به شمار می‌رود.

به اساس آخرین آمار رسمی چین، از ۷۲۴۳۶ مورد ابتلا به ویروس کرونا ۱۸۶۸ نفر جان شان را از دست داده اند.

چین برای این که از شیوع این بیماری به شهرهای دیگر پیش‌گیری کرده باشد، از ۲۳ جنوری، حمل و نقل از شهر ووهان چین را به دیگر نقاط منع کرده و این شهر در قرنطین به سر می‌برد.

با همه تلاش‌هایی که برای مهار ویروس کرونا و پیش‌گیری از انتقال آن به دیگر شهرها و کشورهای جهان صورت گرفته است؛ این ویروس توانسته است از مرزهای چین عبور کرده و تا اروپا، امریکا و دیگر کشورهای آسیایی راه پیدا کند.

شیوع ویروس کرونا به کشورهای دیگر باعث شده است که سازمان جهانی بهداشت در ۲۵ فبروری حالت اضطرار بین‌المللی اعلام کند و گفته است که تا ۱۲ روز دیگر هیچ کسی از شهر ووهان چین به جای دیگری انتقال داده نشود.

این در حالی است که هم اکنون ۴۳ دانش‌جو و ۵ خانواده‌ی افغانستانی در شهر ووهان چین به سر می‌برند و اجازه‌ی خروج از این شهر را ندارند.

با این حال ویروس کرونا به تازگی از مرز چین رد شده و خود را به همسایه‌ی جنوب-غربی افغانستان (ایران) رسانده است.

وزارت بهداشت ایران، شیوع ویروس کرونا را در شهرهای تهران و گیلان پذیرفته است و مرکز شیوع این ویروس را شهر قم دانسته است.

تا روز جمعه، ۲ حوت، ویروس کرونا جان چهار نفر را در ایران گرفته است.

با این همه افغانستان بیشترین شمار مهاجران را در ایران دارد که روزانه ده‌ها تن از این کشور به افغانستان در آمد و شد استند.

همین‌طور آن‌هایی که به گونه‌ی قاچاقی از ایران به افغانستان می‌آیند، نیز می‌توانند زمینه‌ساز انتقال ویروس کرونا به افغانستان باشند.

مصطفی‌ایکی از شهروندان افغانستان است که سه ماه اخیر را در قم ایران، زندگی کرده است، او روز پنج شنبه، از مشهد به افغانستان آمده است.

مصطفی می گوید که در فرودگاه کابل، چک و بررسی صحت لازم نشده است؛ مصطفی بدون در نظر گرفتن شرایط خطرناک انتقال این ویروس توانسته است با پیاده شدن در فرودگاه کابل، وارد شهر شود.

با توجه به این که شهر قم مرکز شیوع ویروس کرونا در ایران، شناسایی شده است؛ این بی توجهی جدی حکومت افغانستان به ویژه وزارت صحت عامه را به صحت مردم نشان می دهد که می تواند فاجعه ای جبران ناپذیری را برای افغانستان در پی داشته باشد.

این در حالی است که دولت در کنار تأمین امنیت فیزیکی، به تأمین امنیت صحتی شهروندان نیز مکلف است و از سویی هم انتقال این ویروس به افغانستان می تواند تلفات بیشتری حتا از چین که مرکز شیوع این ویروس است نیز در پی داشته باشد.

افغانستان به دلیل فقر فراگیر و نداشتن امکانات مالی و تکنیکی برای مبارزه با این ویروس؛ از هر کشور دیگری آسیب پذیرتر است.

اگر توجه جدی برای پیش گیری از انتقال ویروس کرونا به افغانستان نشود و امکانات لازم را در این زمینه فراهم نکرده و مسافرینی که از کشورهای دیگر به افغانستان می آیند در فرودگاه ها و بندرها مورد بازرسی ویژه صحتی قرار نگیرند؛ امکان می رود که این ویروس به سادگی از ایران به افغانستان انتقال پیدا کند.

شیوع ویروس کرونا در ایران و شرایط اقتصادی و فن آوری طبی موجود در افغانستان؛ ایجاب می کند که در رابطه به آمدن شهروندان افغانستان از ایران و یا شهروندان خود ایران به افغانستان تدابیر احتیاطی لازم مراعات شده و حتا در صورت امکان؛ تا زمان کنترل و مهار این ویروس در ایران، رفت و آمد میان افغانستان و ایران قطع شود.

حمله به کارگاه های بازیافت زیالیه های مهاجران افغانستانی در تهران (صبح کابل)

در وهله ای اول، پلاستیکی که از نوع ها و رنگ های مختلف است تفکیک می شود که اصطلاحاً کارگاه آسیاب پلاستیک گفته می شود. بیشتر کارگاه های آسیاب پلاستیک در فضای باز است و به وسیله ای داربست و توری، قفسه برای هر نوع پلاستیک ایجاد می شود. محیط این کار را می توان غیر بهداشتی و با درصد آلودگی بسیار در نظر گرفت.



طبق خبرهائي که با تأخیر و حتا تغییر به گوش می‌رسد، چندین آتش‌سوزی پی‌هم در کارگاه‌های تفکیک و بازیافت پلاستیک در چهل روز گذشته در روستای قمصر (باقرشهر، تهران) اتفاق افتاده است. نکته‌های قابل توجه و دقت این‌هاست:

- پانزده مورد آتش‌سوزی در کارگاه‌هایی بوده است که صاحب آن افغانستانی است.

- دلیل همه‌ی آتش‌سوزی‌ها پرتاب مواد آتش‌زا، از بیرون کارگاه بوده است.

- فرد یا افراد حمله‌کننده بسیار هوش‌مندانه و با طرح و قصد مشخص اقدام می‌کنند.

در این چهل روز چهار بار و هر بار به چند کارگاه با فاصله‌ی مکانی، آتش‌سوزی اتفاق افتاده است. بار نخست حمله ساعت سه‌ی نصف شب اتفاق افتاده است که معمولاً کارگاه‌ها تعطیل و حتا نگهبان خواب است. بار دوم در پی قطع‌شدن سراسری یک ساعته‌ی برق در قمصر، از فرصت استفاده کرده و ساعت یازده شب این حملات در چند نقطه اتفاق افتاده است. پس از حمله‌ی نخست، صاحبان این مشاغل که گویا با طرح شکایت به کلانتری محل و حتا دادگاه به جایی نرسیده‌اند، خود اقدام به ایجاد گشت محلی شبانه و نیز افزایش نگهبان‌ها کرده‌اند. حمله‌ی سوم و به نوعی چهارم که پنج‌شنبه اول دلو اتفاق افتاده بود، با آگاهی کامل نسبت به شرایط و وضع موجود طراحی شده است. این بار ساعت شش صبح که هوا هم کمی روشن شده است و کارگرها نیز در حال رفتن به محل کار خود استند و از طرفی نگهبان‌ها که این بار

تمام شب را بیدار بودند و دیگر توقع و انتظار حمله را نداشتند، شاهد حمله بوده اند. قمصر روستایی در جنوب تهران و نزدیک به باقرشهر، کهریزک است. قمصر را می توان پایتخت صنعت بازیافت پلاستیک در ایران دانست؛ پلاستیک هایی که از زیاله ها جدا شده اند در این جا دوباره به صنعت باز می گردند.



در وهله ی اول، پلاستیکی که از نوع ها و رنگ های مختلف است تفکیک می شود که اصطلاحاً کارگاه آسیاب پلاستیک گفته می شود. بیشتر کارگاه های آسیاب پلاستیک در فضای باز است و به وسیله ی داربست و توری، قفسه برای هر نوع پلاستیک ایجاد می شود. محیط این کار را می توان غیر بهداشتی و با درصد آلودگی بسیار در نظر گرفت.

مراحل بعدی، گرانول کردن مواد آسیاب شده و تولید محصول جدید است.

در محدوده ی قمصر، افزون بر پنج صد کارگاه تفکیک و آسیاب پلاستیک وجود دارد که هفتاد درصد آسیاب داری و پنجاه درصد گرانول در دست افغانستانی هاست و نیز قسمت بسیار کوچکی از تولید.

هزینه ی ایجاد یک کارگاه آسیاب پلاستیک، چیزی بین صد و پنجاه تا دوصد میلیون تومان است. در هر کارگاه در کمترین حالت پنجاه تُن پلاستیک وجود دارد که با کمترین نرخ آن، یعنی کیلوی چهار هزار تومان، معادل دوصد میلیون تومن می شود. با در نظر گرفتن سرمایه ی در گردش برای خرید بار و غیره می توان گفت که هر کارگاه فعال، به طور میانگین پنج صد میلیون تومان سرمایه است.

در ۱۵ مورد حمله که در چهل روز گذشته اتفاق افتاده است، فقط دو مورد به موقع خاموش شده است؛ یک مورد مربوط به کارفرمای ایرانی بوده است که خسارت کمی دیده است؛ اما دوازده مورد دیگر که متعلق به افغانستانی‌ها بوده، به صورت کامل نابود شده است. تخمین‌های میدانی در مورد مجموع خسارت‌های وارد شده رقمی بین ۱۰ تا ۱۵ میلیارد تومان است.

زحمتی که در طی سال‌ها تلاش و سخت‌کوشی به ثمر نرفته است، تنها در یک ساعت با هیچ برابر می‌شود. در هر کارگاه، حداقل بیست کارگر کار می‌کنند که مخارج خانوادگی‌شان در ایران یا افغانستان از همین راه تأمین می‌شود.

بدون شک بسیاری از صاحبان این شغل‌ها به طور کامل ورشکست شده‌اند و قادر به از سرگیری شغل خود نیستند؛ شغلی که در کم‌ترین امنیت بهداشتی و بیمه به سر می‌برد.



به نقل از خسارت‌دیدگان، در پی‌گیری قضایی این موضوع در کلانتری و دادگاه، با اهمیت ندادن، تمسخر و حتا تحقیر مواجه شده‌اند. نیروی انتظامی که وظیفه‌ی تأمین امنیت جامعه است، از وظیفه‌ی خود در این راستا سر باز می‌زند. در صورتی که گشت‌زنی در اماکن مورد نظر، درصد احتمال حمله را می‌تواند به شدت کاهش دهد و موجب آرامش خاطر نسبی فعالان در این صنعت شود.

شهرداری تهران که متولی جمع‌آوری زباله از سطح شهر است، طرف دیگر این قضیه است که هنوز هیچ واکنشی نشان نداده است. قابل ذکر است که در صورت هم‌دلی و هماهنگی کارفرمایان افغانستانی که طرف قرارداد پیمان‌کاران بازیافت شهرداری هستند و در صورت اعتصاب آن‌ها، تجمع این حجم از زباله‌ی پلاستیک در سطح شهر، بیشتر از چند روز نمی‌تواند دوام بیاورد.

در آن چه که گذشت دو نکته قابل توجه است:

یک) صنعت بازیافت پلاستیک (زباله) که جزو شغل‌های پرخطر است و تا کنون توجه ویژه‌ای از طرف مسؤولان مربوط به آن نشده است؛ چه مسأله‌ای با حضور افغانستانی‌ها در قسمت تفکیک آن دارد؟

دو) سکوت و پی‌گیری نکردن نیروی انتظامی و مراجع قضایی ایران در این مورد چه دلیلی دارد؟

این حمله‌های زنجیره‌ای جدا از خسارت بالای مالی و اوج ناامنی شغلی، نگرانی روحی و اجتماعی را در پی دارد که با توجه و چند مورد اقدام سریع می‌تواند موجب پیش‌گیری شود.



حضور مهاجران افغانستانی در ایران پس از سه دهه هنوز پذیرفته شده نیست، در سطح دولتی و اداری مهاجران با مشکلات زیادی روبه‌رو هستند؛ از تمدید سالیانه‌ی کارت آمایش گرفته تا سختی‌هایی که برای گرفتن گواهی‌نامه‌ی رانندگی، تحصیل در دانشگاه، عبور و مرور در کشور و حتا گرفتن کارت عابر بانک و...

در سطح جامعه و مردم نیز تصور نادرستی در مورد حضور مهاجران افغانستانی در ایران وجود دارد که مهاجران ظرفیت‌های شغلی را گرفته اند و این فرصت از جوانان ایران گرفته شده است؛ در صورتی که مهاجران اغلب در شغل‌های سخت نظیر همین تفکیک پلاستیک (زباله) مشغول هستند که بدون شک کمتر ایرانی‌ای حاضر به انجام آن است. نکته‌ی اصلی در این است که دیوار مهاجران افغانستانی در ایران بسیار کوتاه است و هر شخص در هر مرتبه‌ای، اجازه‌ی تعرض و رفتار ناشایست به آن‌ها را به خود می‌دهد.

جامعه‌ی ایران در هر سطحی (دولت_مردم) اگر قصد نمایش چهره‌ای انسانی از خود به دیگران دارد، دست به کار فرهنگی باید بزند؛ فرهنگی که در آن انسان‌ها برابر استند و حقوق آن‌ها محترم شمرده می‌شود. برخورد‌های عجولانه و مناسبتی هر چند ضروری است؛ اما با تغییر نگرش است که می‌توان به انسانیت و دوستی دست یافت.

فرانسه: در یک روستا در بروتاین، مهاجران برای ادغام شدن آموزش می‌یابند(مهاجر نیوز)

از بهار سال ۲۰۱۸ به اینسو، نهاد خانه انجمن‌ها در Cloître-Saint-Thégonnec در برتاین، منطقه‌ای در غرب فرانسه، هر هفته مهاجران را جهت ادغام سازی آموزش می‌دهد. در آنجا، مهاجران جوان برای شرکت در درس‌های زبان فرانسه، ریاضیات، علوم اجتماعی و حتا برای یادگیری دیالوگ‌های زبان برتون می‌آیند. این افراد تازه وارد، تحت نظارت، اسکان و همراهی انجمن‌ها برای ادغام آنها در جامعه فرانسه و از سرگیری تحصیلات آنها آماده می‌شوند. مهاجرنیوز در مورد گزارش می‌دهد.

خیابان‌های این استان امروز خلوت است. کسی نیست که در اطراف شهر دیده شود. در خیابان اصلی، فقط نمای فروشگاه تعمیرات دیده می‌شود. سخت است تصور کنید که در این روستای کوچک برتاین با جمعیت ۷۵۰ نفری، مهاجران هر روز برای آموزش به نهاد خانه انجمن‌ها می‌آیند. باید تا ساعت ۹ صبح صبر کنید تا یک اتوبوس سفید رنگ را که مهاجران را به آموزشگاه این نهاد انتقال می‌دهد، ببینید که شاد هستند و می‌خندند و با هم صحبت می‌کنند.

سامبا مهاجر از کشور کانگو با لبخند می‌گوید: «به مدرسه آموزش در این قریه خوش آمدید!» پس از ورود به مدرسه، او و ده‌ها جوان دیگر از کشور‌های مالی، گینه، ایران و بنگلادیش با کریستین عضو انجمن اتوپست در حال صرف صبحانه بودند. کریستین از آشپزخانه کوچک ساختمان می‌گوید: «بعد از صرف صبحانه به سوی کار و فعالیت‌های آموزشی می‌رویم.» در همین حال، چهار معلم برنامه صبح خود را آماده می‌کنند. مهاجران چهارشنبه‌ها درس زبان فرانسوی دارند.

این مدرسه به کمک شهرداری استان در ماه می ۲۰۱۸ ایجاد شده است. ساندترین معاون نهاد خانه انجمن‌ها می‌گوید: ما در ابتدا فقط یک تعداد محدودی از شهروندان منطقه بودیم که به مهاجران لباس توزیع می‌کردیم. اما بعداً متوجه شدیم که مهاجران به گونه درست از سوی نهاد‌های مربوط که به آنها جا داده اند، آموزش نمی‌یابند و این نهاد‌ها برنامه‌های موثر برای ادغام سازی ندارند. بنا برای ایجاد یک مرکز آموزشی فکر کردیم. ما به تعداد ۳۰ معلم داریم که برای مهاجران زبان فرانسوی، ریاضیات، تاریخ، جغرافیه و دیالوگ‌های منطقه برتاین را آموزش می‌دهند.

دانش آموزان مهاجر با معلم شان. عکس از مهاجرنیوز/مایوا پوله

«قبل از رفتن به مدرسه، آموزش‌های ابتدایی پایه اساسی است»

دانش آموزان توسط سایر سازمان های منطقه مورد حمایت قرار می گیرند مانند سازمان اتوپيست. این انجمن مهاجران را به خانواده های فرانسوی معرفی می کند تا به آنها به گونه موقت جا دهند و از فرهنگ همدیگر آشنا شوند. هر روز صبح یک فرد داوطلب در مکان های مختلف در اتوبوس سفید موظف است تا از مهاجران مراقبت کند. حضور مهاجران در این مدرسه به خاطر تمایل به از سرگیری تحصیل یا آموزش فنی و حرفه ای و شروع کورس های منظم است و این یکی از شرایط برای ادغام در سیستم است.

از ساعت ۹:۳۰ صبح درسه ها شروع می شود. معلم ها شاگردان را در سویه های مختلف آموزشی تقسیم بندی می کنند. مجید و صوفیان مهاجران ایرانی و بنگلادیشی با بریژیت که معلمی اخیراً بازنشسته شده، در منزل پائین هستند. مجید مهاجر ۳۴ ساله ایرانی که برای او فرانسوی یک زبان کاملاً جدید است، می گوید: «من امروز معلم هستم.» بی تاب جلوی صفحه کتابچه اش، سعی می کند کلمات را با تلفن خود ترجمه کند. او واژه را به انگلیسی به همصنفی ۱۶ ساله خود می گوید: «پشک ... پشک!»

مامادو مهاجر نوجوان از کشور مالی که در اتاق بعدی مشغول خواندن است، آنها جوانترین هستند. برای آنها هدف از سرگیری سریع آموزش است. ساندیرین توضیح می دهد: "ما سعی می کنیم به آنها آموزش های ابتدایی دهیم تا آنها پس از ثبت نام در مدرسه دچار دردسر زیادی نشوند. به همین دلیل است که ما ریاضیات و علوم اجتماعی را در برنامه های خود گنجانیده ایم. «قبل از رفتن به مدرسه، آموزش های ابتدایی پایه اساسی است.» مامادو با فرانسوی ابتدایی می گوید: «والدین من امکانات فراهم سازی تحصیل را نداشتند، من در مالی عمدتاً در کلاس های عصرانه می رفتم.»



دو تن از مهاجران در این مدرسه، برای امتحان دلف آماده گی می گیرند. عکس از مهاجرنیوز/مایوه پوله

از پنجاه نفری که از زمان تأسیس به این مدرسه آمده اند، بیش از نیمی آنها زیرسن بودند. طبق اعلام این انجمن، نزدیک به ۷۰٪ آنها متعاقباً به یک موسسه پیوسته اند. علاوه بر این، داوطلبان به آنها کمک می کنند تا قبل از مراقبت های احتمالی رفاه کودکان (ASE)، وضعیت خود را به عنوان افراد زیر سن قانونی تشخیص دهند.

اشتراک در برنامه های محلی

در منزل بالا، چهار دانش آموز با فلورانس معلم فرانسوی دستور زبان را فرا می گیرند. اصالتاً از آفریقای مرکزی و غربی فرانسوی زبان هستند. با استفاده از این کورس ها، آنها برای امتحانات رسمی مانند دلف آماده می شوند تا از طریق آن به برنامه های تحصیلی اقدام کنند.

ماری کلود از جمهوری دموکراتیک کنگو آمده است. او از طریق ویزای تشکیل خانواده به فرانسه آمده است. ماری توسط انجمن اتوپيست مورد حمایت قرار نگرفته است اما او در اینجا برای آماده گی امتحان دلف آمده است. او می گوید: «من امتحان دلف را در ماه مارچ می گذرانم، این مثل یک مسابقه است!». سامبا قبلاً این امتحان سطح زبان فرانسه را با موفقیت پشت سر گذاشته است. او در ادامه صحبت هایش می گوید: «این مدرسه واقعاً به ما فرصت می دهد که بتوانیم در جامعه ادغام شویم.»

ادغام سازی همچنان می تواند شامل سرمایه گذاری در زندگی اجتماعی و فرهنگی شود. در جریان سال گروه های کوچک از انجمن ها در رویدادهای محلی شرکت می کنند. آنها همچنین در مدارس یا همایش ها برنامه دارند تا پیشینه و دلایل تبعید مهاجران را توضیح دهند.

عبداللهی، پسر ۲۱ ساله از کشور گینه، تقریباً در آستانه تبدیل شدن به یک مربی جدید فوتبال در روستا است، جایی که چند سال است که هنوز باشگاه ندارد. وی گفت: «ما بعد از تعطیلات بازهای فوتبال را از سر می گیریم، هوا خیلی سرد است!» وی در طول روز با یک پسر بچه ای موی بلوند در مدرسه فوتبال بازی می کند.

«این آفریقایی که با دیالوگ برتون صحبت می کند، کیست؟»

پس از سه ساعت صحبت به زبان فرانسوی در یک فضای شلوغ، کریستین همه را به صرف غذای گرم و خوب دعوت می کند. همه دست به کار می شوند تا میز غذا آماده شود. بشقاب، کارد و پنجه را به روی میز می گذارند. این لحظه به آنها امکان آن را می دهد تا قبل از از سرگیری دو ساعت درس جدید، استراحت کنند. ساندربین بار دیگر تأکید می کند: «این کار فشرده است، اما مانند مدرسه و آموزش گاه های حرفه ای است. هر هفته آنها از دوشنبه تا پنجشنبه تمام روز اینجا می آیند، به جز روزهای جمعه که برای قرارهای پزشکی و اداری اختصاص دارد.»



مهاجران در حال آموزش زبان. عکس از مهاجرنیوز/مایوه پوله

بعد از ظهر چهارشنبه ها، کارگاه آموزشی سرگرم کننده و تفریحی نیز در برای این مهاجران در نظر گرفته شده است. در این برنامه سائرساکنان روستا و مناطق اطراف نیز می توانند اشتراک کنند.

عبدالهی می گوید: «هنگامی که من به یک کافه رفتم، به یک پیرمرد به زبان برتاین سلام کردم، همه شگفت زده شدند و گفتند: «این آفریقایی کیست که برتونی صحبت می کند؟!» به ادامه صحبت هایش می خندد.

ساندرین توضیح می دهد: «ایده خوب این است که آنها چند جمله کوتاه را به لحن بروتونی در ذهن داشته باشند تا با کسی که ملاقات می کنند، با لبخند صحبت را آغاز کنند.»

سلیمان مهاجر دیگر از گینه می گوید: «من پاریس و پورت دو لا شاپل را می شناسم. اما ترجیح می دهم اینجا بمانم. اینجا آرام تر است.»

شمار متقاضیان پناهندگی در اروپا بار دیگر افزایش یافته است (مهاجر نیوز)

شمار متقاضیان پناهندگی در اروپا بعد از ۲۰۱۵ برای چند سال پیهم رو به کاهش بود، اما در ۲۰۱۹ این درخواست ها دوباره سیر صعودی گرفته است. ۶۰ هزار افغان نیز در سال گذشته در کشورهای اروپایی درخواست پناهندگی داده اند.

دفتر حمایت از امور پناهندگی اتحادیه اروپا اعلام کرد که در سال ۲۰۱۹ در ۲۷ کشور عضو اتحادیه اروپا و همچنین در بریتانیا، ناروی و سویس بیش از ۷۱۴ هزار نفر تقاضای حفاظت کرده اند. این رقم ۱۳ درصد افزایش را نسبت به سال ۲۰۱۸ نشان می دهد.

دفتر حمایت از امور پناهندگی اتحادیه اروپا گفته است: «این افزایش عمدتاً به دلیل شمار فزاینده درخواست های شهروندان چندین کشور امریکای لاتین است که از مکلفیت گرفتن ویزا معاف هستند.»

بیشترین افزایش در شمار تقاضاهای پناهندگی شهروندان ونزوئلا به میان آمده است. در سال گذشته ۴۵ هزار شهروند این کشور امریکای جنوبی در اروپا درخواست پناهندگی داده اند که در مقایسه با سال قبلی اش دو برابر شده است.

علاوه بر این، شمار قابل توجهی از افغان ها نیز درخواست حفاظت داده اند. مجموعاً ۶۰ هزار افغان در این کشورها تقاضای پناهندگی داده اند که ۳۰ درصد بیشتر از سال ۲۰۱۸ است.



زمستان وضعیت پناهجویانی را که در کمپ ها زندگی می کنند، سخت تر کرده است

اما اکثریت کسانی که در تلاش درخواست حفاظت اند، مانند گذشته سوریایی ها هستند. رقم درخواست اتباع این کشور دچار بحران به طور ثابت ۷۲ هزار بوده است.

به نقل از دفتر حمایت از امور پناهندگی اتحادیه اروپا، تصامیم پیرامون حدود یک سوم درخواست های سال ۲۰۱۹ مثبت بوده است. بالاترین میزان قبولی را پناهجویان سوریایی با ۸۵ درصد، یمنی ها با ۸۲ درصد و پناهجویان اریترایی با ۸۱ درصد داشته اند.

با آنکه میزان قبولی درخواست های پناهندگی از یک کشور تا کشور دیگر متفاوت است، اما نیمی از پناهجویان افغان نیز در ۲۰۱۹ حفاظت به دست آورده اند.

اما به اتباع کشورهای که برای وارد شدن به اتحادیه اروپا نیاز به ویزا ندارند، به ندرت پناهندگی داده می شود. به اساس گزارش اداره حمایت از امور پناهندگی اتحادیه اروپا تنها پنج درصد از پناهجویان ونزوئلایی نیازمند حفاظت شناخته شده اند.

تقریباً یک دهم درخواست ها از سوی کسانی ارائه شده است که قبلاً درخواست های پناهندگی شان رد شده است.

کمیته استقرار مجدد در لوگرتدویر جلسه نمود(ویبسایت وزارت)



آمریت امور مهاجرین و عودت کننده گان ولایت لوگر به تاریخ ۶ حوت سال روان جلسه کمیته ولایتي استقرار مجدد را تحت ریاست والی لوگر و با اشتراک رئیس امنیت ملی، روسای واحد های دومی، نماینده های یونما، و موسسات همکار و اعضای کمیته تدویر نمود.

ابتدا امر امور مهاجرین و عودت کننده گان پیرامون کارکرد های اخیر ان آمریت سخن گفت و همچنان مشکلات و دست آورد ها را نیز را با اعضای کمیته در میان گذاشت.

سپس اعضای کمیته هریک بالنوبه گزارشات، فعالیت ها و پلان های خویش را با رئیس جلسه در میان گذاشته یک سلسه مشکلات و پیشنهادات شانرا نیزارایه نمودند .

سپس والی لوگر در سخنانش گفت، هدف همه ما مشترک است باید در یک هماهنگی کامل و همه شمول سعی و تلاش نمایم تا با استفاده از امکانات موجود در راه خدمت به مردم گام های موثر و کارا را برداریم. والی لوگر به تمام موسسات همکار اطمینان داد که برای عملی کردن برنامه ها و پروژه های شان در این ولایت شرایط را آماده خواهد نمود.

پایان